

شاخص صحیح مورد استفاده در محاسبه خسارت تأخیر تأدیه (سالانه یا متوسط سال)

باقر شاملو*

امیرحسین همتمی**

هانی حاجیان***

سارا دولت‌نیا****

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

چکیده

ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ با تعیین شروطی، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه را به میزان تغییر شاخص سالانه قیمت مجاز دانسته است. با وجود اینکه این ماده در خصوص نحوه صحیح محاسبه خسارت تأخیر تأدیه تصریح دارد، بانک مرکزی هم تمام شاخص‌های مورد نیاز برای اجرای ماده مذکور را اعلام کرده است. اما به دلیل شاخص‌هایی که بانک مرکزی در ستون‌های مختلفی ارائه می‌دهد تفسیرهایی از ماده مذکور در بین محاکم مشاهده گردیده است که مطابق آن متوسط شاخص بهای سال قبل باید معیار قرار گیرد. این وضعیت به دوگانگی در رویه و ایجاد تفاوت چشمگیر در نحوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه منجر شده است که باعث تفاوت فاحش در مبلغ محاسبه شده در اجرای احکام می‌گردد. نتیجه این اختلاف رویه به رأی وحدت رویه شماره ۸۵۰ مورخ ۱۶/۵/۱۴۰۳ منجر گردیده است؛ پژوهش پیش‌رو از نوع نظری بوده و به شکل توصیفی و تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتاب‌ها و مقاله‌ها در پاسخ به این سؤال سامان یافته است که مطابق موازین حقوقی، برای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بایستی از چه شیوه‌ای استفاده نمود؟ در این پژوهش نگارندگان به این نتیجه دست یافته‌اند که منظور قانونگذار از شاخص سالانه در ماده ۵۲۲ ق. آ. د. م شاخص‌هایی است که در انتهای هر ماه توسط بانک مرکزی اعلام می‌گردد و روش محاسبه خسارت تأخیر تأدیه به صورت حاصل ضرب مبلغ دین در شاخص مربوط به زمان پرداخت تقسیم‌بهر شاخص مربوط به ماه زمان سررسید دین است.

کلیدواژگان:

خسارت تأخیر تأدیه، کاهش ارزش پول، شاخص سالانه، شاخص ماهانه، تورم.

* استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
a.h.hemmati@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

**** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.



Copyright: ©2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

ماهیت خسارت تأخیر تأدیه بر اساس ماده ۲۲۸ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ مورد اراده و تصویب قانونگذار قرار گرفته است. از سوی دیگر روش شکلی محاسبه این نوع خسارت نیز در طول زمان دستخوش تغییراتی گردیده است؛ به گونه‌ای که تا پیش از انقلاب اسلامی، پس از چند مقررہ متفاوت نهایتاً قانونگذار روش شکلی محاسبه خسارت تأخیر تأدیه را در ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ از قرار سالانه دوازده درصد مقرر نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنیاد مستضعفان و کارکنان سازمان ثبت اسناد و املاک در سال ۱۳۶۰ طی استعلامی از حضرت امام خمینی (ره) استفتا نمودند که باتوجه به رقم مشخص که قانون تعیین کرده آیا این خسارت شرعاً بهره تلقی می‌شود یا خیر؟^۱ حضرت امام خمینی (ره) در پاسخ فرمودند: «بسمه تعالی آنچه به حساب دیرکرد تأدیه بدهی گرفته می‌شود ربا و حرام است».^۲ لذا بر همین اساس و در پاسخ به چندین استعلام واصله، شورای نگهبان طی نظریاتی از سال ۱۳۶۰ لغایت ۱۳۶۶، دریافت خسارت تأخیر تأدیه موضوع مواد ۷۱۲ و ۷۱۹ ق. آ. د. م را مغایر با موازین شرعی تشخیص داد. پس از آن از سال ۱۳۷۶ تغییراتی در نحوه پذیرش خسارت تأخیر تأدیه به وجود آمد.

از سال ۱۳۷۶ به بعد موضوع نحوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه طی قوانین مختلفی مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و روش‌های مختلفی برای محاسبه آن پیشنهاد شد. در یکی از اولین روش‌های محاسباتی مورد تأیید پس از انقلاب می‌توان به ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۷/۰۲/۱۳ اشاره نمود که نحوه محاسبه مهریه‌ای را که به وجه رایج مقرر شده معادل متوسط شاخص بهای سال قبل، تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد، ضرب در مهریه مندرج در عقدنامه مقرر نمود. پس از آن در سال ۱۳۷۹، قانونگذار ذیل ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی محاسبه خسارت تأخیر تأدیه دیون رایج را منوط به تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت دانسته و محاسبه آن را بر اساس «رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه اعلامی توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» مقرر نمود و به تصویب شورای نگهبان رسید. همچنین در راستای اجرای تکلیف مقرر ذیل ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۷ مبنی بر ضرورت اعلام شاخص بها به قوه قضائیه توسط بانک مرکزی،

۱. حاجیان، هانی، جواد سرخوش و میثم اکبری دهنو، «علت تناقض در آرای شورای نگهبان درباره تأخیر تأدیه»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ش. ۲۷، ۱۳۹۹، ص ۲.

۲. حسن‌خانی، داوود، «مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در قوانین موضوعه ایران»، وکالت، بهمن و اسفند ۱۳۸۰، ص ۳۲.

آن بانک هر ساله اقدام به اعلام این شاخص‌ها طی دو دسته مجزا (یکی جهت استفاده در محاسبه خسارت تأخیر تأدیه و دیگری جهت محاسبه مهریه) می‌نمود و این شاخص‌ها طبق جدول اعلامی بانک مرکزی در دواير اجرا مورد استفاده قرار می‌گرفت. حسب بررسی نگارندگان، از اوایل سال ۱۳۹۹، تفسیری متفاوتی از نحوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه در رویه برخی محاکم ایجاد شد؛ بدین صورت که برخی ادعا کردند عددی که بانک مرکزی به‌عنوان متوسط شاخص بها سال اعلام می‌نماید شاخص سالانه نام دارد و باتوجه به حکم ماده ۵۲۲ ق. آ. د. م، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه باید با استفاده از این عدد محقق شود. از طرفی چون عدد مربوط به متوسط شاخص بهای سال هیچ‌گاه در طول یک سال قابلیت محاسبه ندارد، دواير موصوف اقدام به استفاده از عدد متوسط شاخص بهای سال قبل از پرداخت می‌نمایند. استفاده از متوسط شاخص بهای سال قبل از پرداخت به‌جای شاخص سالانه منتهی به هر ماه زمان پرداخت منجر به ایجاد مشکلات عدیده‌ای شده که طی این پژوهش عنوان می‌گردند. پژوهش پیش‌رو از جهت جواب به این سؤال است که خسارت تأخیر تأدیه بر اساس چه فرمولی باید محاسبه گردد؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال باید به این سؤالات فرعی نیز پاسخ داده شود که: اولاً؛ منظور قانونگذار از شاخص سالانه زمان پرداخت در ماده ۵۲۲ ق. آ. د. م دقیقاً کدام یک از اعداد اعلامی توسط بانک مرکزی است؟ ثانیاً؛ استفاده از متوسط شاخص بها برای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چه تبعات حقوقی و اقتصادی را در پی دارد؟

فرضیه موجود این است که بر مبنای ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی محاسبه خسارت تأخیر تأدیه باید بر مبنای شاخص سالانه باشد. بر مبنای یافته‌های این تحقیق و بر اساس تفاوت‌های مشروحه در ادامه این پژوهش میان اعداد منتشر شده در انتهای هر ماه و عدد منتشر شده در انتهای هر سال، منظور قانونگذار از شاخص سالانه بانک مرکزی همان شاخص سالانه منتهی به هر ماه است که به‌صورت جدول ماهانه توسط بانک مرکزی منتشر می‌گردد.

۱. خسارت تأخیر تأدیه

خسارت را به ضرر، زیان، ضرر کردن، زیان بردن^۱ معنا نموده‌اند. معنی واژه تأخیر را پس انداختن، دیر کردن، دیرکرد، عقب انداختن^۲ گفته‌اند. کلمه تأدیه برحسب متعلقش معانی گوناگونی دارد که شامل انجام دادن و به‌جا آوردن، گزاردن، پرداختن، پرداخت یا ادای پول وام یا دین، مطلق پرداخت.^۳

۱. معین، محمد، فرهنگ پارسی، ج. ۷، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴، مدخل خسارت.
۲. موسوی بجنوردی، سید محمد، «مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه»، پژوهش‌نامه متین، ش. ۷۳، ۱۳۸۲، ص ۵.
۳. عمید، حسن، فرهنگ پارسی عمید، ج. ۲۷، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲، مدخل تأخیر.

در تعریف حقوقی از خسارت تأخیر تأدیه بیان شده است: ضرری که بر اثر عدم پرداخت دین در مهلت مقرر بر دائن وارد می‌شود^۲ و همچنین گفته شده است: هرکس به امری تعهد نماید و تعهد خود را در موعد مقرر انجام ندهد، چنانچه در نتیجه این تأخیر متعهدله متضرر شود متعهد باید خسارت ناشی از تأخیر را جبران کند. اگر این تعهد وجه رایج باشد قانونگذار اصطلاح «خسارت تأخیر تأدیه» را مطرح کرده است.^۳ برخی ضرر را در فرض تأخیر در پرداخت پول امری مسلم دانسته و گفته‌اند: خسارتی را که از بابت دیر پرداخت وجه نقد، از طرف مدیون باید به طلبکار داده شود، «خسارت تأخیر تأدیه» می‌گویند.^۴ از تعاریف فوق نتیجه می‌شود خسارت تأخیر تأدیه فرع بر وجود دین است. دین عبارت است مال کلی که در ذمه یک شخص قرار می‌گیرد. برائت ذمه در اموال مثلی به پرداخت عین و در اموال قیمی به پرداخت قیمت ایجاد می‌شود. در مثلی‌ها تأخیر در بازپرداخت دین ممکن است باعث از دست رفتن حداکثر سود برای صاحب مال در زمان فروش شود که بحث عدم‌النتفع ایجاد می‌گردد. در قیمی‌ها ۱- بحث کاهش ارزش پول و ۲- منافعی که صاحب پول از عدم به جریان انداختن پول بر او وارد گردیده مطرح می‌شود. اینکه خسارت تأخیر تأدیه مذکور در ماده ۵۲۲ ق. آ. د. م چه ماهیتی دارد امری است که باید با دقت‌های حقوقی را مورد توجه قرارداد، اما به‌طور مختصر می‌توان گفت سه نظریه اصلی در این خصوص وجود دارد: ۱- نظریه عدم‌النتفع مسلم پول که همان ماهیت مذکور در ماده ۷۲۹ ق. آ. د. م سابق است. ۲- نظریه کاهش ارزش پول که در واقع ایفاء دین در زمان ایجاد است. ۳- نظریه تعزیرات غیر کیفری یا همان جریمه مدنی.

اینکه ماده ۵۲۲ ق. آ. د. م با کدام یک از این نظریات توجیه می‌شود، تأثیری زیادی در بحث حاضر ندارد، چراکه قانونگذار هر کدام از این نظریات را که پذیرفته باشد دست‌آخر اعلام نموده است، خسارت تأخیر تأدیه باید از طریق شاخص بانک مرکزی جبران شود و اینکه از بین عددهای اعلامی از سوی بانک مرکزی کدام یک منظور قانونگذار است، باید مورد تحلیل قرار گیرد تا اینکه نه اجحاف به محکوم‌علیه شود و نه اینکه حقی از محکوم‌له ضایع گردد.

۱. همان منبع، مدخل تأدیه.
۲. انصاری، جمال و ابوالفضل محبی، «بررسی ماهیت حقوقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق بانکی»، مجله حقوق بانکی، ۳، ش. ۵ و ۶، ۱۳۹۳، صص. ۱۵۹-۱۸۶.
۳. شیروی، عبدالحسین، حقوق اقتصادی، ج. ۲، سمت، ۱۴۰۰، صص ۱۴۸-۱۵۵.
۴. سلطانی رنانی، مهدی، «نگاهی تطبیقی به جبران خسارت تأخیر تأدیه در فقه و حقوق»، مجله فقه و مبانی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰.
۵. وحدتی شبیری، سید حسن، «خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد»، روش‌شناسی علوم انسانی، د. ۹، ش. ۳۶، ۱۳۸۲، ص ۷۷.
۶. پنج‌تنی، سید محسن، «خسارت، وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه»، ماهنامه کانون، ش. ۱۱۸، ۱۳۹۰، ص ۱۹.

۲. تعریف انواع شاخص پولی موجود در کشور

یکی از متغیرهای مهم در اقتصاد کلان سطح عمومی یا متوسط وزنی قیمت‌هاست که کاربردهای فراوانی دارد. در واقع چون در اقتصاد کلان با تعداد بسیار زیادی از کالاها و خدمات مواجهیم، ناچاریم با یک عدد، وضعیت همه قیمت‌ها را بیان نماییم.^۱ شاخص قیمت، معیاری است که براساس آن، ارزش ثابت از ارزش جاری تمیز داده می‌شود.^۲ اصولاً شاخص، کمیته‌ای است که به‌عنوان نماینده کمیته‌های همگن متعدد به کار می‌رود و می‌تواند جهت و میزان تغییر کمیته‌های مورد نظر را در طول زمان نشان دهد.^۳ عدد شاخص، رقمی است که تغییر نسبی قیمت‌های کالای مصرفی یا خدمات مشابه را در یک دوره و هر دوره دیگر، به‌عنوان دوره مبنا نشان می‌دهد. معمولاً دوره مبنا را به رقم صد ارائه می‌دهند.^۴ روش‌های مختلفی برای به‌دست آوردن شاخص وجود دارد که ساده‌ترین آن میانگین گرفتن است. این روش با دو مانع جدی تفاوت واحد اندازه‌گیری کالاها و وزن متفاوت اثربخشی کالاها در زندگی مردم مواجه است. برای حل این مشکل، اولاً، یک سال دارای ثبات نسبی به‌عنوان سال پایه شاخص قرار می‌گیرد. در واقع سال پایه یعنی سالی که در آن کشور، کمتر دچار تغییر و تحول شده باشد. به‌عبارت دیگر سالی که «تورم حداقل باشد؛ بیکاری کم باشد، رشد اقتصادی بالا باشد». البته به‌خاطر ایجاد کالاهای جدید و یا تغییر در مصرف برخی کالاها، سال‌های پایه هر چند سال تغییر می‌یابد. ثانیاً، به هر کالایی به میزان اهمیت آن وزن دهی می‌شود.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای شاخص، محاسبه نرخ تورم است؛ چراکه ایجاد تورم کاهش قدرت خرید و بی ارزش‌داری را سبب می‌شود.^۵ روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری شاخص وجود دارد. برخی تغییرات قیمت را بر اساس ثبات مقادیر در سال پایه (لاسیپرز) و برخی تغییرات را براساس ثبات مقادیر خریداری شده در انتهای دوره (پاشه) و برخی نیز ترکیبی از هر دو روش (شاخص ایدئال- فیشر) را برای اندازه‌گیری شاخص معرفی می‌نمایند. از میان روش‌های موجود شاخص لاسیپرز، که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس همین شاخص نرخ تورم را مورد محاسبه قرار می‌دهد، بر اساس وزن به کار رفته در سهم مخارج اسمی کالاها و خدمات در سال پایه است.

۱. دادگر، یدالله و تیمور رحمانی، **مبانی و اصول علم اقتصاد**، ج. ۴، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴، صص ۴۹-۷۶.

۲. شریف، مصطفی، **اقتصاد کلان**، ج. ۱، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۷، ص ۵۹.

۳. فرهنگ، منوچهر، **فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی**، ج. ۱، ج. ۱، البرز، ۱۳۷۱، مدخل شاخص.

۴. همان منبع، ص. ۹۷۹.

۵. مومنی، مانی، شهریار زاروکی و آرمان یوسفی بارفروشی، «سنجش واکنش شاخص رفاه سالانه به تورم ماهانه در ایران: کاربردی از الگوی ترکیبی داده‌های با فرکانس متفاوت فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد و برنامه‌ریزی»، **فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه**، د. ۲۸، ش. ۱، ۱۴۰۲، ص ۳۲.

$$I_L = \frac{\sum_{i=1}^n P_i^f X_i^\circ}{\sum_{i=1}^n P_i^\circ X_i^\circ} \times 100$$

I_L : شاخص لاسپیرز
 P_i° : قیمت کالا یا خدمت i
 P_i^f : قیمت کالا یا خدمت i در سال جاری
 X_i° : مقدار کالا یا خدمت i در سال پایه
 $\sum_{i=1}^n$: جمع کالاها و خدمات ۱ تا n

فرمول ۱. فرمول محاسبه شاخص لاسپیرز^۱

در محاسبات مربوط به نرخ تورم، تغییرات قیمت هر گروه از کالاها و خدمات در زمان ارائه نرخ نسبت به مبدأ زمانی بررسی می‌شود.^۲ در بررسی‌های اقتصادی، به‌منظور تعیین آثار و عملکرد سیاست‌های اقتصادی، از شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI)^۳ و شاخص قیمت تولیدکننده (PPI)^۴ در ارزیابی سیاست‌های پولی و مالی استفاده می‌شود. از اهداف اصلی محاسبه و انتشار شاخص‌های قیمت، کاربرد آنها در محاسبه تغییرات هزینه زندگی، تغییرات هزینه تولید و تعدیل متغیرهای اقتصادی اسمی به متغیرهای حقیقی است. اگرچه این شاخص‌ها میانگین وزنی قیمت سبد ثابتی از کالاها و خدمات را بر مبنای سال پایه مشخصی اندازه‌گیری می‌کنند، کالاها و خدمات مشمول در هر یک از آنها و سطح قیمت‌ها متفاوت‌اند، کالاها و خدمات مشمول در PPI کل ستانده بخش تولیدکننده است؛ یعنی تمام کالاها و خدماتی که به‌وسیله تولیدکننده به‌عنوان مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای یا کالاهای نهایی به فروش می‌رسد، در این شاخص گنجانده می‌شود.^۵ اما در شاخص CPI فقط کالاها و خدماتی که برای مصارف مشخص توسط خانوارها خریداری می‌شود، مدنظر قرار می‌گیرند.^۶ این شاخص وسیله‌ای است برای اندازه‌گیری سطح عمومی قیمت‌ها و یکی از بهترین معیارهای سنجش نرخ تورم و قدرت خرید پول کشور است. لذا، همواره مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی بوده است.^۷

۱. همتی، عبدالناصر، **اقتصاد کلان**، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، چ. ۴، ۱۳۹۱، ص ۶۵.

۲. رحمانی، تیمور، **اقتصاد کلان**، ج. ۱، چ. ۱۰، انتشارات برداران، ۱۳۸۵.

3. Consumer Price Index

4. Producer Price Index

۵. به طور کلی، PPI به سه شاخص مختلف: ۱- مواد خام ۲- کالاهای واسطه‌ای ۳- کالاهای تمام شده مربوط می‌شود.

۶. CPI به شاخص واحدی که قیمت‌های سبد معینی از کالاها و خدماتی که توسط یک مصرف‌کننده نوعی خریداری می‌شوند، اشاره دارد.

۷. مطهری، محب‌اله، محمدرضا لطفعلی‌پور و شهاب متین، «بررسی رابطه علی میان شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده در اقتصاد ایران»، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، د. ۱۶، ش. ۱، ۱۳۹۵، ص ۱۴۲.

در نظام مالی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، از دو نوع شاخص با دو جنس متفاوت جهت سنجش میزان تورم و کاهش ارزش پول ملی استفاده می‌شود: ۱- شاخص نقطه به نقطه، که متولی محاسبه و اعلام آن مرکز آمار ایران بوده؛ ۲- شاخص سالانه که متولی محاسبه آن بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. برای فهم دقیق از ماده ۵۲۲ ق. آ. د. م مصوب سال ۱۳۷۹ و همچنین نحوه جبران از ارزش افتادن پول باید نحوه محاسبه، کارکرد و تفاوت‌های اساسی هریک از این شاخص‌ها بررسی گردد.

۲.۱. شاخص نقطه به نقطه

شاخص نقطه به نقطه که تغییرات شاخص قیمت را نسبت به زمان مشابه سال قبل مقایسه می‌کند، یک روش محاسباتی در علم اقتصاد است که توسط برخی از کشورها محاسبه و اعلام می‌شود. در حقیقت در محاسبه شاخص نقطه به نقطه در هر نوبت محاسبه، تورم نسبت به مدت متناظر سال قبل بررسی می‌گردد.^۱ به‌عنوان نمونه شاخص نقطه به نقطه اعلامی مرکز آمار مربوط به مهر ماه ۱۴۰۰ بر مبنای مقایسه قیمت‌های موجود در مهر ماه سال ۱۳۹۹ به‌دست‌آمده و خود شاخص مهر ماه سال ۱۳۹۹ نیز بر اساس شاخص مهر ماه سال ۱۳۹۸ محاسبه شده است.

در نتیجه در محاسبه این شاخص، تأثیرات طول یک سال دیده نمی‌شود و علی‌رغم امکان بیشتر یا کمتر بودن شاخص در ماه‌های دیگر، از مؤثر دانستن بازه میان دو نقطه مبدأ و مقصد شاخص صرف‌نظر شده و صرفاً به سید قیمتی روز مبدأ و روز مقصد توجه می‌شود. بر همین اساس، این روش محاسباتی فاقد قدرت ارائه دقیق اطلاعات تورمی است و همواره تحت‌تأثیر هیجانات کوتاه مدت و بعضاً گذرا قرار دارد. لذا این شاخص در محاسبه خسارت‌هایی مانند خسارت تأخیر تأدیه قابل استفاده نیست و مقنن به‌درستی این نوع شاخص را در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین مرتبط غیر قابل استفاده دانسته است.

۲.۲. شاخص سالانه

شاخص سالانه شاخصی است که بانک مرکزی پس از اتمام هر ماه و پس از بررسی بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI) سبیدی تعریف شده و مقایسه با بهای کالاها و خدمات مصرفی دوازده ماه منتهی به آن ماه محاسبه و منتشر می‌نماید.^۲ به‌عبارتی بانک مرکزی جهت اعلام شاخص سالانه منتهی به آبان‌ماه ۱۴۰۲ شاخص را براساس تغییرات قیمتی از ابتدای آبان‌ماه ۱۴۰۱ لغایت انتهای مهرماه ۱۴۰۲ محاسبه می‌نماید. پس از آن برای محاسبه شاخص منتهی به آذرماه ۱۴۰۲، تغییرات بهای کالاها و

1. International Monetary Fund, Consumer Price Index Manual, Aug 2004, p. 572.

۲. وبسایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نشانی www.cbi.ir.

خدمات مصرفی (CPI) از ابتدای آذرماه ۱۴۰۱ لغایت انتهای آبان‌ماه ۱۴۰۲ را مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین بانک مرکزی تغییرات بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI) طی دوازده ماه را بررسی، و عدد شاخص را محاسبه و اعلام می‌کند. علت نام‌گذاری این نوع شاخص به شاخص سالانه نیز همین روش محاسبه و اعمال تغییرات دوازده‌ماهه منتهی به هر مقطع زمانی است. به عبارتی دیگر، در نحوه محاسبه شاخص سالانه، همواره یک سال تمام منتهی به‌روز محاسبه ملاک عمل است و هیچ الزامی وجود ندارد که یک سال مورد محاسبه منطبق با یک سال تقویمی از ابتدای فروردین تا انتهای اسفند باشد، تا جایی که حتی از نظر علمی و عملی این امکان وجود دارد که تغییرات قیمتی از ۱۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۱ تا ۱۴ بهمن‌ماه ۱۴۰۲ را محاسبه، و شاخصی تحت عنوان شاخص سالانه منتهی به ۱۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۲ را محاسبه و تولید نمود.

سید تعریف شده بانک مرکزی شامل دوازده گروه اصلی است. هریک از این گروه‌های دوازده‌گانه اصلی دارای ضریب اهمیت تعریف شده و مشخصی‌اند که برآیند تغییرات قیمتی آنها در دوازده ماه منتهی به زمان محاسبه ملاک محاسبه شاخص سالانه است. در جدول ۱ گروه‌های دوازده‌گانه اصلی به‌همراه ضریب اهمیت آنها قابل مشاهده است.

جدول ۱. گروه‌های دوازده‌گانه محاسبه شاخص کالاها و خدمات مصرفی به‌همراه ضریب اهمیت هر گروه^۱

ردیف	عنوان گروه	ضریب اهمیت (درصد)
۱	مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها	۳۷/۰۵
۲	خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها	۲۵/۵۱
۳	حمل و نقل	۸/۹۰
۴	بهداشت و درمان	۷/۸۳
۵	پوشاک و کفش	۴/۶۲
۶	اثاث، لوازم و خدمات مورد استفاده در خانه	۴/۳۳
۷	کالاها و خدمات متفرقه	۳/۱۷
۸	ارتباطات	۲/۳۰
۹	تفریح و امور فرهنگی	۲/۰۷
۱۰	تحصیل	۲/۰۳
۱۱	رستوران و هتل	۱/۸۲
۱۲	دخانیات	۰/۳۷

همان‌طور که عنوان گردید، برآیند تغییرات هر دوازده گروه اصلی تشکیل‌دهنده شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (شاخص تورم) است. هریک از این گروه‌های اصلی دارای

۱. همان منبع.

زیرگروه‌هایی است که هر ماه با مقایسه بهای آن‌ها نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال قبل در کلیه استان‌های کشور، محاسبه عدد شاخص سالانه منتهی به آن ماه رقم می‌خورد. به‌عنوان مثال، بر اساس گزارش شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در بهمن ماه ۱۴۰۱ به عدد ۷۴۵٫۱ رسیده است. در جدول ۲ تغییرات شاخص مذکور در بهمن ماه ۱۴۰۱ نسبت به ماه قبل و همچنین ماه مشابه سال قبل برای تمامی گروه‌های اصلی نمایش داده شده است.

جدول ۲. عدد شاخص و تغییرات آن در بهمن ماه ۱۴۰۱ نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال قبل^۱

عنوان	ضریب اهمیت سال پایه	عدد شاخص بهمن ماه ۱۴۰۱	درصد تغییر			
			بهمن ماه ۱۴۰۱ نسبت به ماه قبل		بهمن ماه ۱۴۰۰ نسبت به ماه قبل	
			ماه قبل	ماه مشابه سال قبل	ماه قبل	ماه مشابه سال قبل
شاخص کل گروه‌های اصلی و منتخب فرعی:	۱۰۰/۰۰	۷۴۵/۱	۴/۴	۵۴/۶	۱/۶	۳۲/۸
۱- خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها	۲۵/۵۱	۱۰۵۵/۲	۶/۳	۶۷/۱	۳/۰	۲۳/۶
خوراکی‌ها	۲۴/۵۲	۱۰۵۹/۳	۶/۴	۶۸/۱	۳/۱	۲۳/۲
غلات و نان	۴/۴۳	۹۱۶/۱	۲/۲	۵۵/۸	۶/۹	۶۱/۴
گوشت	۵/۳۱	۹۱۷/۴	۱۳/۳	۹۰/۵	۳/۶	۲۹/۳
ماهی و حیوانات دریایی	۰/۶۱	۱۴۲۳/۸	۶/۸	۶۳/۵	-۰/۳	۱۱/۳
لبنیات و تخم پرندگان	۲/۹۶	۱۰۴۳/۱	-۰/۱	۸۳/۳	-۰/۱	۴۲/۵
روغن‌ها و چربی‌ها	۰/۸۴	۱۶۸۳/۴	-۰/۴	۲۲۶/۰	-۰/۵	۲۷/۸
میوه‌ها و خشکبار	۵/۵۱	۱۱۲۸/۶	۵/۹	۴۵/۲	۱/۸	۰/۵
انواع سبزی، حبوب و فرآورده‌های سبزی	۳/۴۶	۱۲۴۱/۲	۱۳/۵	۶۸/۲	۴/۲	۲۰/۱
قند، شکر، مربا، عسل، شکلات و محصولات قنادی	۱/۰۵	۹۱۷/۴	۱/۶	۵۳/۶	۳/۴	۴۷/۶
نمک و ادویه، سن‌ها و چاشنی‌ها و ترکیبات خوراکی	۰/۳۳	۷۵۸/۷	۱/۵	۵۱/۵	۱/۷	۵۷/۰
آشامیدنی‌ها	۱/۰۰	۹۷۳/۹	۲/۶	۴۴/۴	-۰/۸	۳۴/۶
۲- دخانیات	۰/۳۷	۶۱۲/۸	۱/۲	۲۱/۳	-۰/۹	۳۲/۵
۳- پوشاک و کفش	۴/۶۲	۸۱۴/۹	۴/۰	۴۸/۲	۲/۰	۴۷/۳
۴- مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها	۳۷/۰۵	۵۱۹/۰	۳/۱	۴۹/۸	۱/۳	۵۰/۸
اجاره‌بهای مسکن غیرشخصی	۷/۷۱	۵۳۵/۰	۳/۱	۵۰/۹	۱/۳	۵۲/۲
ارزش اجاری مسکن شخصی	۲۵/۴۳	۵۳۱/۰	۳/۲	۵۰/۹	۱/۳	۵۲/۱
تعمیرات و خدمات ساختمانی	۱/۶۷	۷۸۹/۱	۳/۱	۵۱/۶	۲/۲	۵۴/۴
آب	۰/۴۹	۱۶۶/۵	-	۱۳/۰	-	۱۳/۲
برق و گاز و سایر سوخت‌ها	۱/۷۵	۱۱۹/۱	-	-	-	۳/۶
۵- اثاث، لوازم و خدمات مورد استفاده در خانه	۴/۳۳	۹۴۰/۸	۳/۹	۳۷/۵	-۰/۸	۲۹/۲
۶- بهداشت و درمان	۷/۸۳	۴۶۹/۶	۲/۰	۴۱/۰	-۰/۹	۴۲/۵
۷- حمل و نقل	۸/۹۰	۱۰۲۲/۲	۲/۴	۵۰/۳	-۰/۶	۲۱/۶
۸- ارتباطات	۲/۲۰	۳۰۸/۲	۷/۸	۳۸/۱	-۲/۷	-۲/۰
۹- تفریح و امور فرهنگی	۲/۰۷	۸۰/۱	۴/۴	۴۴/۴	-۰/۱	۳۹/۱
۱۰- تحصیل	۲/۰۳	۳۶۹/۴	-۰/۲	۳۹/۴	-	۳۰/۴
۱۱- رستوران و هتل	۱/۸۲	۹۷۵/۳	۴/۳	۸۰/۴	۲/۷	۵۸/۲
۱۲- کالاها و خدمات متفرقه	۳/۱۷	۷۹۱/۸	۴/۶	۴۹/۵	-۰/۲	۲۹/۲
گروه‌های اختصاصی:						
۱- کالا	۴۸/۴۵	۹۵۷/۰	۵/۳	۵۷/۰	۲/۰	۲۷/۸
۲- خدمت	۵۱/۵۵	۵۴۴/۴	۳/۰	۵۰/۸	۱/۱	۴۱/۵

* اختلاف بین ضریب اهمیت گروه‌ها با جمع ضرایب زیر گروه‌های آن مربوط به سراسر است (رُند کردن اعداد است).

شاخص سالانه می‌تواند برای هر بازه زمانی دلخواهی محاسبه شود. به صورت عرفی این محاسبه در کشورهای مختلف گاه به صورت فصلی و گاه به صورت ماهیانه تحقق می‌یابد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز در رویه‌ای واحد، اقدام به محاسبه این نوع شاخص در هر ماه نموده و در نتیجه شاخص سالانه منتهی به هر ماه را محاسبه و اعلام می‌دارد. بنابراین در شاخص سالانه، هر ماه از سال عدد شاخص مختص خود را دارد که طبق تعریف دقیق علمی نام آن شاخص سالانه است. با استفاده از این نوع شاخص به علت پیوستگی موجود بین ماه‌ها (بر خلاف شاخص نقطه به نقطه) می‌توان هر ماه از سال را با هر ماه از همان سال یا سال دیگر مقایسه کرد که این ویژگی شاخص سالانه این امکان را می‌دهد تا به راحتی جهت همسان سازی زمان‌های مختلف استفاده شده و ارزش مبلغ مربوط به زمان سررسید دین و زمان تأدیه آن هم‌سنگ و برابر شود. به همین علت است که قانونگذار عنوان نموده که جهت محاسبه خسارت تأخیر تأدیه باید از این نوع شاخص بهره گرفت. در واقع در این روش هر ماه خود یک عدد سال پایه به حساب می‌آید که می‌تواند به عنوان مبنای محاسبه قابل استفاده باشد.

شایان ذکر است که منظور از شاخص سالانه در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی استفاده از شاخص سالانه منتهی به هر ماه در جدول شاخص سالانه بانک مرکزی است و مقنن استفاده از واژه شاخص سالانه در نص ماده مذکور را به جهت تفکیک از شاخص نقطه به نقطه منتشره توسط مرکز آمار ایران تصریح نموده است. امر مزبور به کرات در نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه از جمله نظریه شماره ۷/۹۸/۱۵۷۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ و همچنین مصوبات آمره و لازم‌الاجرا ریاست قوه قضائیه از جمله نامه شماره ۱۰۰/۴۹۴۶/۹۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۱/۲۸ قوه قضائیه و نامه شماره ۱۰۸۹۹/۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۱/۲۲ رئیس کل بانک مرکزی که هر ساله در روزنامه رسمی کشور منتشر می‌گردد منعکس شده است.

۳. تفسیر اعداد مندرج در جدول شاخص بانک مرکزی

جدول شاخص سالانه منتشره توسط بانک مرکزی، شامل سه نوع از اعداد با ماهیت و جنس متفاوت است که در ادامه تفسیر هر یک به صورت مشروح عنوان می‌گردد:

۳.۱. شاخص سالانه منتهی به هر ماه

بانک مرکزی هر ماهه محاسباتی در خصوص مقایسه قیمت سبد تعریف شده از کالاهای اساسی و نیازهای اولیه انسانی (بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI)) را با قیمت همین سبد در دوازده ماهه منتهی به آن ماه انجام می‌دهد و محاسبات تغییرات حاصله آن را اعلام می‌نماید. در واقع هر سال دارای

دوازده شاخص سالانه است که هر کدام منتهی به یک ماه خاص‌اند. متأسفانه در عرف عامیانه، نام این نوع شاخص به‌جای عبارت صحیح «شاخص سالانه منتهی به هر ماه»، به «شاخص ماهانه» تغییر پیدا کرده که همین مهم منجر به ایجاد اختلاف‌نظر در نحوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه و همچنین سوءبرداشت از عبارت مندرج در نص ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ گشته است.

۳.۲. متوسط شاخص بهای سال

بانک مرکزی در فروردین‌ماه هر سال پس از پایان یافتن محاسبه هر دوازده‌شاخص سالانه سال پایان‌یافته، اقدام به محاسبه و ارائه عددی تحت عنوان متوسط سال می‌نماید که متأسفانه عنوان «شاخص سالانه» به‌عنوان یک غلط مصطلح در خصوص آن مرسوم شده است. این عدد اعلامی تنها بیانگر میانگین و متوسطی از شاخص‌های سالانه منتهی به هر ماه تحقق یافته در سال است و قانونگذار با علم به این موضوع و در نظر گرفتن تفاوت معنا و مفهوم شاخص سالانه (منتهی به هر ماه) و متوسط شاخص بهای سال، اراده خود را بر استفاده از شاخص سالانه (منتهی به هر ماه) در محاسبه تأخیر تأدیه استوار نموده و در مقابل فقط در ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۷/۲/۱۳ صراحتاً استفاده از متوسط سال را مجاز دانسته است که این خود به‌وضوح بیانگر اراده مقنن در تفکیک این دو نوع شاخص از یکدیگر است.

۳.۳. نرخ تورم

تورم به‌عنوان شاخصی برای سنجش کارایی اقتصاد کشورها است. به همین دلیل برای مقایسه قابلیت‌های اقتصادی یک کشور نرخ تورم^۱ را به‌همراه شاخص‌های دیگر مانند شاخص «تولید ناخالص ملی» یا GDP نیز محاسبه، و بین کشورهای مختلف رتبه‌بندی می‌کنند. تورم عبارت است از رشد شاخص قیمت‌ها و به این دلیل که شاخص قیمت‌ها گروه وسیعی از کالاها را شامل می‌شود، در محاسبه تورم اولاً متوسط تغییر قیمت کالاها در کل اقتصاد مدنظر است و ثانیاً رشد قیمت هر کالایی با وزن مناسب در محاسبه شاخص کل لحاظ می‌شود.^۲ فرمول محاسبه تورم عبارت است:

$$\text{Inflation} = \frac{\text{CPI}_2 - \text{CPI}_1}{\text{CPI}_1} \times 100$$

فرمول ۲. فرمول محاسبه درصد تورم^۳

1. Inflation Rate

۲. همتی، عبدالناصر، منبع پیشین، ص ۶۵.

۳. وب‌سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نشانی www.cbi.ir.

از فرمول ارائه شده مشخص می‌شود نرخ که به صورت درصد معین می‌شود، صرفاً در تصمیمات کلان اقتصادی مورد استفاده بوده و در بحث حاضر جایگاهی ندارد. با این حال با عنایت به اینکه طی نظریاتی از جمله بخشنامه ۱۴۰۳۲/۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۸ دادگستری کل استان تهران نرخ تورم به‌عنوان معیاری جهت محاسبه خسارت تأخیر تأدیه در نظر گرفته شده و شاخص سالانه منتهی به هر ماه غیر منطبق با نرخ تورم و بیش از آن عنوان گردیده، لذا توضیحاتی به شرح زیر درج می‌گردد.

اعلام میزان تورم با تصمیم و سیاست وزارت اقتصاد و امور دارایی می‌تواند به صورت کوتاه‌مدت (مانند روزانه، هفتگی و ماهانه)، میان‌مدت (مانند فصلی و سالانه) و همچنین بلندمدت (مانند پنج ساله و ده‌ساله) محاسبه و اعلام گردد. محاسبه نرخ تورم به‌صورت حاصل تقسیم تفاضل شاخص انتهای دوره و شاخص ابتدای دوره بر شاخص ابتدای دوره ضرب در عدد ۱۰۰ است.

بانک مرکزی نیز هر ماه نرخ تورم موجود را بر حسب فرمول فوق با استفاده از شاخص سالانه منتهی به ماه دوم (CPI_2) و شاخص سالانه منتهی به ماه اول (CPI_1) طبق فرمول بالا محاسبه و اعلام می‌نماید. در انتهای سال نیز با تقسیم تفاضل متوسط سال و متوسط سال قبل بر متوسط سال قبل نرخ تورم سال را محاسبه و در جدول منتشره درج می‌نماید. لذا توجه به این نکات خالی از لطف نیست که اولاً نرخ تورم هر ماه به‌صورت رسمی توسط بانک مرکزی محاسبه و اعلام می‌گردد و نمی‌توان به‌علت عدم درج صریح آن در جدول شاخص‌های اعلامی، رسمیت و موجودیت آنها را زیر سؤال برد. ثانیاً عدد متوسط شاخص هر سال، حاصل میانگین دوازده شاخص سالانه منتهی به هر ماه آن سال ماست. نرخ تورم سال نیز حاصل تقسیم متوسط دو سال متوالی بر هم است. لذا نرخ تورم سال ماهیت و موجودیت خود را از منشأ اصلی ایجاد آن یعنی شاخص‌های سالانه منتهی به هر ماه می‌گیرد و نه از متوسط سال که خودش مستقلاً ماهیت نداشته و موجودیت خود را از همان منشأ اصلی یعنی شاخص سالانه منتهی به هر ماه و به‌صورت تبعی به‌دست می‌آورد. ثالثاً نرخ تورم ماهانه اعلامی توسط بانک مرکزی حاصل تقسیم تفاضل شاخص سالانه منتهی به دو ماه متناظر بر شاخص سالانه منتهی به ماه اول است. در نهایت مجموع این نرخ‌های تورم دوازده ماه برابر با نرخ تورم سال می‌گردد. لذا مجدداً ملاحظه می‌شود که نرخ تورم سال یک عدد کاملاً فرعی است و نمی‌تواند بر منشأ محاسبه خود یعنی شاخص سالانه منتهی به هر ماه غلبه و ارجحیت داشته باشد.

طبق نص صریح ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، شرط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت است و نه تغییر فاحش در متوسط نرخ تورم. با

بررسی نص ماده و نیز تفاسیر متفاوتی که پیرامون این ماده صورت گرفته است، می‌توان به یقین رسید که قانونگذار ماده را مقید به قید میزان متوسط تورم سالانه ننموده است، لذا با توجه به این توضیحات و همچنین تفاوت معنی و نحوه محاسبه دو عبارت شاخص سالانه منتهی به هر ماه و متوسط نرخ تورم سال، مسلماً امکان مقید کردن قانون بدون اراده قانونگذار وجود ندارد.

۴. قوانین و مقررات حاکم بر موضوع

نحوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه دیون در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و نحوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه مهریه در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۷/۲/۱۳ به تفکیک توسط مقنن تصویب گردیده‌اند. در توضیح تفکیک این مقرره از یکدیگر، قانونگذار در هر یک از مواد موصوف حکمی مجزا به شرح ذیل صادر نموده:

ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی: «در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد».

ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی: «نحوه محاسبه مهریه وجه رایج بدین صورت است: متوسط شاخص بها در سال قبل تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد ضرب در مهریه مندرج در عقدنامه».

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، قانونگذار به درستی میان دو مقرره شاخص سالانه (که در انتهای هر ماه محاسبه و اعلام می‌گردد) و متوسط شاخص بهای سال قائل به تفکیک شده است. این تفکیک تا جایی پیش رفته است که مقنن به فقدان قابلیت محاسبه متوسط شاخص بهای سال زمان پرداخت توجه نموده و پذیرفته است که شاخص مزبور هیچ‌گاه در همان سال قابل محاسبه نیست و بنابراین در محاسبه مهریه به صراحت حکم بر استفاده از متوسط شاخص بهای سال قبل از پرداخت را صادر نموده، اما از سوی دیگر با علم به اینکه شاخص سالانه منتهی به هر ماه در زمان پرداخت موجود و در دسترس است، در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی صراحتاً شاخص زمان پرداخت را ملاک محاسبه قرار داده و از ارجاع به شاخص سال قبل اجتناب نموده است. در همین راستا نیز اداره کل حقوقی قوه قضائیه طی نظریه شماره ۷/۱۴۰۰/۵۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۶ اعلام نموده است: «چنانچه به علت تأخیر در اعلام شاخص سالانه از سوی مراجع ذی‌ربط در زمان تأدیه محکوم‌به، محاسبه خسارت طبق ماده ۵۲۲ قانون پیش‌گفته (که

محاسبه مبلغ خسارت تأخیر تأدیه را از زمان سررسید تا زمان پرداخت بر اساس شاخص اعلامی بانک مرکزی مقرر داشته) انجام نشده و خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای آخرین شاخص اعلام شده محاسبه شده باشد، واحد اجرا، تحت نظارت دادگاه پس از اعلام شاخص زمان تأدیه برای محاسبه و وصول مابقی خسارت تأخیر تأدیه بر اساس شاخص بانک مرکزی که مربوط به زمان تأدیه است، اقدام مقتضی به عمل می‌آورد».

این تفسیر در تمام نظریات اداره کل حقوقی قوه قضائیه (من جمله نظریه شماره ۷/۱۴۰۱/۳۳۴ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ و نظریه ۷/۱۴۰۰/۹۶۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۷) به درستی و دقت لحاظ شده است. برای مثال آن اداره طی نظریه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ به شماره ۷/۱۴۰۱/۳۳۴ صراحتاً عنوان نموده است: «طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، مبلغ خسارت تأخیر تأدیه از زمان سررسید تا زمان پرداخت بر اساس شاخص سالانه بانک مرکزی تعیین می‌شود و با عنایت به اینکه در جدول شاخص سالانه، عدد هر ماه به تفکیک مشخص می‌شود، در زمان محاسبه خسارت باید عدد مربوط به همان ماه مبنای محاسبه قرار گیرد». ضمناً تمام مصوبات ریاست قوه قضائیه که هر ساله بر مبنای اعلام شاخص‌ها از سوی ریاست بانک مرکزی در راستای اجرای تکالیف ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۷/۲/۱۳ در روزنامه رسمی منتشر می‌گردد، مؤید همین نظر بوده و شاخص مربوط به هر ماه را برای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه قابل استفاده دانسته است.

از مطالب بیان شده مشخص می‌گردد طبق نص صریح ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، شرط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت است و نه تغییر فاحش در متوسط نرخ تورم یا متوسط شاخص بهای سال؛ لذا با بررسی نص ماده و نیز تفاوت معانی شاخص سالانه، متوسط شاخص بهای سال و نرخ تورم، می‌توان به یقین رسید که قانونگذار ماده را مقید به قید میزان تورم سال یا تغییر متوسط شاخص بهای سال ننموده است.

در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مقنن صراحتاً مقرر نموده است که اعمال شاخص باید از زمان سررسید تا زمان پرداخت دین باشد. از طرفی ماهیت عدد متوسط سال به صورتی است که این عدد هیچ‌گاه در طول سال و زمان پرداخت مطالبات محکوم‌له وجود خارجی ندارد و به هیچ‌وجه نمی‌تواند محاسبه و قابل استفاده شود، چراکه خود میانگینی از مجموعه شاخص‌های اول فروردین هر سال تا آخرین روز اسفند ماه همان سال است و صرفاً با پایان گرفتن کامل ۳۶۵ روز هر سال، تنها در سال بعد قابلیت محاسبه پیدا می‌کند. قانونگذار نیز فقط در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به

ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۷/۲/۱۳ استثنائاً مجوز محاسبه حقوق محکوم‌له (زوجه) با استفاده از عدد متوسط سال مربوط به سال قبل از اجرای حکم را صادر نموده است. لذا رویه استفاده از شاخص مربوط به سال قبل از پرداخت در محاسبه خسارت تأخیر تأدیه موضوع ماده ۵۲۲ که اتفاقاً نسبت به آیین‌نامه مذکور مؤخرالتصویب است، فاقد وجهت قانونی است و نه تنها قابلیت اجرا ندارد، بلکه مطلقاً خلاف اراده قانونگذار تلقی می‌شود. بدیهی است اگر اراده قانونگذار در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی بر استفاده از شاخص متوسط یک سال قبل از سال پرداخت مطالبات بود، این مهم را در این قانون به‌مانند ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۰۸۲) قانون مدنی مصوب ۱۳۷۷/۲/۱۳ به‌صراحت اعلام، و به‌جای استفاده از عبارت شاخص سالانه از شاخص متوسط سال و به‌جای عبارت زمان پرداخت، از عبارت متوسط شاخص بهای مربوط به سال قبل از پرداخت استفاده می‌کرد. استفاده از شاخص متوسط سال به‌جای شاخص سالانه منتهی به هر ماه پیامدهای جبران‌ناپذیری دارد که در ادامه برخی از آنان برشمرده می‌گردد:

۴.۱. عدم امکان اجرای صحیح آرای قضایی

با عنایت ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱، احکام به‌محض قطعیت اجرا می‌شوند. همچنین به‌موجب ماده ۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ فقط دادگاه صادرکننده و آن هم فقط در مواردی که قانون معین نموده است، اجازه دارد از اجرای حکم در زمان مقرر جلوگیری کند و به‌نوعی اجرای آن را تعویق اندازد. لذا با عنایت به این توضیحات، نمی‌توان اجرای حکم قطعیت یافته در سال ۱۴۰۲ را تا فروردین ۱۴۰۳ به تعویق انداخت تا دسترسی به عدد متوسط سال ۱۴۰۲ محقق شود. پر واضح است که حتی به فرض محال امکان اعمال چنین تعویقی باشد، سال پرداخت دیگر ۱۴۰۲ نبوده و طبق نص صریح ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی، دین در سال ۱۴۰۳ پرداخت شده است. پس باز هم باید تا یک سال بعد اجرا به تعویق بیفتد تا شاخص ۱۴۰۳ محاسبه شود و در آن زمان دیگر تاریخ سال پرداخت به سال ۱۴۰۴ تغییر، و در نهایت این توالی تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد و عملاً احکام دادگستری قابلیت اجرای آرای قطعی خود را از دست می‌دهند.

درعین حال برای رفع این نقیصه، اگر بنا باشد بخشی از رأی براساس عدد شاخص مربوط به متوسط سال قبل اجرا شده و سپس در فروردین ماه سال بعد که شاخص زمان پرداخت محکوم به مربوط به اجرای حکم معوقه از سال قبل به‌دست آمد، اجرای حکم کامل شود نیز مشکلات عدیده و غیرقابل جبرانی به‌وجود خواهد آمد که باعث می‌شود موضوع پیچیده‌تر شود؛ برای مثال در این صورت عدد تأمین

محکوم‌به با مشکل مواجه می‌گردد، تکلیف آزاد نمودن بدهکاری که به موجب ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی از جهت اخذ تأمین جهت رسیدگی به دعوی اعسار مبهم می‌گردد؛ چراکه تأمین باید به میزان محکوم‌به باشد. البته مشکلات دیگری نیز قابل تصور است که بیان آنها باعث اطاله کلام می‌شود. از سوی دیگر، باتوجه به سیاست‌های کلان اقتصادی کشور در تعیین نرخ بهره و همچنین وجود حداقل نرخ سود تعریف شده در نظام اقتصادی و بانکی کشور، ارزش پول در دو ماه متفاوت از یک سال تفاوت فاحش دارد و مستند به ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی مستحق خسارت تأخیر تأدیه است. بنابراین اگر دینی در فروردین ماه ۱۴۰۱ سررسید یا تأدیه شود، ارزشی بسیار متفاوت از سررسید یا تأدیه همان مبلغ در اسفندماه ۱۴۰۱ را خواهد داشت و نمی‌توان ارزش هر دو مبلغ را با شاخص متوسط سال هم‌تراز نمود. لذا اگر بنا باشد که بدون توجه به ماه زمان پرداخت فقط سال زمان پرداخت مورد توجه قرار گیرد و باتوجه به اینکه استفاده از متوسط شاخص سال قبل نیز فاقد وجاهت قانونی است و شاخص سال پرداخت باید ملاک عمل باشد، طبیعتاً حقوق طرفین به درستی رعایت نشده و حتی ممکن است منجر به نصف شدن حقوق قانونی محکوم‌له و یا چند برابر شدن بدهی محکوم علیه گردد و این مهم با فلسفه عدالت و قواعد حقوقی و عقلی در تضاد است؛ چراکه همان‌گونه که بیان شد، اگر ما ماهیت ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی را کاهش ارزش پول بدانیم، چرا که در واقع این ماده بحث از خسارت تأخیر تأدیه دین را نمی‌کند، بلکه وجه رایج را مال مثلی در نظر گرفته که بدهکار به واسطه تورم در زمان پرداخت، هرچند اسماً مبالغ بالاتری را تأدیه می‌کند، ذاتاً و حقیقتاً مثل همان وجهی را که در ذمه دارد پرداخت می‌نماید. لذا همان‌گونه که در خصوص اشتغال ذمه عنوان شده است، ایجاد اشتغال ذمه یقینی احتیاج به افراغ ذمه یقینی را می‌طلبد^۱ و چون عدد متوسط شاخص بها سال باعث می‌شود در قالب موارد عدد محکوم‌به تقلیل پیدا کند، این شک حاصل می‌گردد که افراغ ذمه یقین ایجاد شده است یا خیر که با شک ایجاد شده باید گفت عدد متوسط شاخص بها سال باعث افراغ ذمه نگردیده و آنچه باعث افراغ می‌شود عدد شاخص سالانه منتهی به هر ماه است. از طرفی چون در برخی فروض ممکن است به‌طور نادر عدد محکوم‌به را افزایش دهد، در نتیجه این مخالف عدالت است. برای مثال، اگر سررسید ادای دین برای محکوم علیه اسفندماه ۱۴۰۱ باشد، پایه بدهی وی با شاخصی تقریباً برابر با مهرماه ۱۴۰۱ محاسبه می‌شود که این مهم منجر می‌گردد نام‌برده ۲۴ درصد بیش از آن چیزی که محکوم شده است پرداختی داشته باشند و حکمی به بیش از خواسته صادر و اجرا خواهد شد. یا در نمونه‌ای دیگر اگر سررسید دین

۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود، «احکام فقهی کاهش ارزش پول»، فقه اهل بیت علیه سلام، د. ۱، ش. ۲، ۱۳۷۴، صص ۱۱-۵.

محکوم علیه ۲۸ اسفندماه ۱۴۰۱ باشد اما ایشان دین خود را در ۵ فروردین ماه ۱۴۰۲ پرداخت نمایند، به‌خاطر تأخیری هفت‌روزه مکلف می‌شوند خسارت تأخیر تأدیه یک سال تمام را پرداخت نمایند. این چنین اتفاقی باعث ایفای ناروا می‌شود و همان‌گونه که گفته شد مخالف عدالت است.

۴.۲. مغایرت آرا وحدت رویه با تفسیر متوسط شاخص بهای سال

موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، تاریخ متوقف شدن محاسبه خسارت تأخیر تأدیه در اثر صدور حکم اعسار یا توقف تاجر است. به‌موجب رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵ مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ توقف از ورشکسته قابل مطالبه نیست. همچنین به‌موجب رأی وحدت رویه شماره ۱۳۹۹/۳/۷۸۸۲۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور خسارت تأخیر تأدیه فوق‌الذکر از ضامن تاجر ورشکسته نیز قابل مطالبه نیست. ازسوی دیگر، رأی وحدت رویه شماره ۸۲۴/۱۴۰۱/۶/۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور چنین مقرر می‌دارد: «باتوجه به اینکه در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، شرط «تمکن مدیون» به‌طور مطلق، بیان شده و در مقررات خاص راجع به چک حکم مغایری پیش‌بینی نشده و چک از این جهت فاقد خصوصیت است، بنابراین در مواردی که به‌موجب حکم دادگاه، اعسار محکوم‌علیه، به‌نحو کلی یا با تعیین مهلت و یا اقساط، ثابت شود، از تاریخ ثبوت اعسار، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجه چک نیز متوقف می‌شود». لذا اگر بنا باشد که محاسبه خسارت تأخیر تأدیه به‌جای شاخص سالانه منتهی به هر ماه، بر مبنای شاخص متوسط سال انجام پذیرد، دیگر تفاوتی در اینکه تاریخ صدور حکم اعسار یا توقف تاجر در چه زمانی از سال است وجود نخواهد داشت و عملاً ثبوت توقف تاجر یا صدور حکم اعسار چه در اولین روزهای سال باشد و چه در آخرین روزهای سال محقق شود، خسارت تأخیر تأدیه به‌کل آن سال تعلق نمی‌گیرد و نهایتاً خسارت موصوف از یک سال قبل از صدور حکم اعسار یا توقف تاجر متوقف می‌شود که این امر خلاف نص صریح قانون و آرای مذکور هیئت عمومی دیوان عالی کشور است.

۴.۳. تشویق بدهکاران به ماطله و تشویق طلبکاران به طرح دعوا

یکی از مهم‌ترین ارکان قانونگذاری رعایت اصولی است که نتوان از آن قانون سوءاستفاده کرد. حال باوجود این توضیحات، این نکته به‌شدت شایان توجه است که استفاده از عدد متوسط سال به راحت‌ترین شکل راه سوءاستفاده به قانون را باز می‌کند. به‌عنوان مثال در فرض استفاده از عدد متوسط سال به‌جای شاخص سالانه منتهی به هر ماه، افراد دارای سوءنیت همواره تلاش می‌نمایند تا سررسید دیون خود را در فروردین هر سال قرار داده و تأدیه آن را در اسفند ماه انجام دهند؛ چرا که در این صورت:

اولاً، اگر سال سررسید و تأدیه یکی باشد، یعنی مثلاً سررسید در فروردین ماه ۱۴۰۱ (با شاخص سالانه منتهی به فروردین برابر با ۴۹۵,۱) و تأدیه در اسفندماه ۱۴۰۱ (با شاخص سالانه منتهی به اسفندماه برابر با ۷۹۴,۳) محکوم‌علیه بدون آنکه حتی یک ریال بابت تأخیر تأدیه به فرد زیان‌دیده بپردازد، بلاجهت و با تکیه بر سوءنیت خود به سودی برابر ۶۰ درصد مبلغ دین دست پیدا می‌کند. ثانیاً، اگر سال سررسید و سال تأدیه یکی نباشد، محکوم‌علیه اگر با برنامه‌ریزی قبلی سررسید دیون خود را در ماه فروردین قرار دهد و تأدیه را نیز در ماه اسفند سال دیگری انجام دهد، ایشان دلگرم خواهد بود که قانون در زمان اجرای حکم حدود ۵ ماه از زمان تأدیه و حدود ۵ ماه هم از زمان پرداخت به وی تخفیف از دارایی محکوم‌له اعطا می‌نماید و باز هم نام‌برده بلاجهت به سودی حدوداً ۶۰ درصدی می‌رسد. ثالثاً، اجرای احکامی که در ماه‌های ابتدایی سال قطعیت می‌یابند دشوارتر می‌گردد. چراکه محکوم علیه می‌داند که پایان فرایند اجرا چه ابتدا و چه در انتهای آن سال باشد، در هر حال میزان خسارت تأخیر تأدیه پرداختی ایشان یکسان و ثابت است و بنابراین با ایجاد اطاله در اجرای حکم و تلاش برای تعویق آن تا پایان سال هیچ خسارتی از بابت این عمل خود پرداخت نمی‌کند. در نتیجه ملاحظه می‌گردد که وجود چنین مقرره‌ای مبنی بر استفاده از عدد متوسط سال (اصطلاحاً سالانه) به جای شاخص سالانه منتهی به هر ماه (که اصطلاحاً ماهانه نامیده می‌شود) می‌تواند تهدیدکننده بسیار جدی نظم عمومی اقتصادی شود و تبعات اجتماعی غیرقابل جبرانی را ایجاد کند و منجر به فروپاشی اقتصادی ناشی از ناامنی اقتصادی و تحصیل نامشروع مال توسط افراد سوءاستفاده‌گر گردد.

۴.۴. کاهش سطح حمایت قانون از ریال و افزایش تورم

پول ملی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اقتصادی هر کشور، و وسیله اصلی مبادلات فی ما بین افراد در جامعه است. لذا همان‌طور که دولت وظیفه پشتیبانی از ارزش پول ملی و افزایش پشتوانه آن را دارد، قوه مقننه نیز باید همواره در راستای حمایت از آن تقنین نموده و در نهایت قوه قضائیه به‌عنوان بازوی اجرای عدالت نظام، وظیفه حمایت کامل از آن را دارد. چراکه پول ملی وسیله ایجاد روابط اقتصادی میان افراد جامعه است و تنظیم روابط اقتصادی تحت عنوان حقوق اقتصادی به‌عنوان یک زیرشاخه حقوقی که در بند ۴ ماده ۵۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی شناسایی شده از وظایف و اختیارات قوای حاکمیتی است.^۱ حال اگر قوانین به‌صورتی تقنین گردند یا اجرای آنها با روشی

۱. شیروی، عبدالحسین، منبع پیشین، ص ۱۹.

تحقق یابند که این سطح حمایت از حمایت کامل به حمایت ناقص تقلیل یابد، آثاری را خلق می‌نماید که قطعاً به ورود آسیب‌های قابل ملاحظه‌ای به بدنه اقتصاد کشور منجر خواهد شد. زمانی که سطح حمایت از پول ملی تقلیل یابد و افراد جامعه احساس نمایند در صورتی که تعهدی له یا علیه ایشان بر پایه پول ملی ایجاد گردد و آن تعهد ایفا نشود، بخشی از دارایی خود را از دست می‌دهد یا به تأدیه بیش از تعهد خود محکوم می‌شوند، اعتماد ایشان نسبت به پول ملی و در نتیجه تمایل و تقاضا برای ریال کاهش می‌یابد. این بی‌اعتمادی به پول ملی باعث می‌شود تا جامعه ریال را از چرخه معاملات خارج کند و سایر دارایی‌های سرمایه‌ای اعم از سکه، طلا، ارزهای خارجی و امثال آنها را به‌عنوان وسیله مبادلات و معاملات خود قرار دهد و هیچ تعهدی له یا علیه خود را به‌وسیله پول ملی نپذیرند.^۱ در نتیجه میزان تقاضای سایر دارایی‌های سرمایه‌ای به‌صورت فزاینده‌ای افزایش خواهد داشت و به تبع این افزایش تقاضا برای سکه، طلا و ارزهای خارجی به افزایش تورم منجر می‌شود و تبعات آن امنیت اقتصادی و نظم عمومی جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد و پول از چرخه اقتصاد خارج و سرمایه‌داران به‌جای فعالیت در عرصه تولید سعی می‌کنند پول خود را در اموری سرمایه‌گذاری کنند که ارزش پول خود را حفظ نمایند و هیچ‌گاه فعالیت‌های ریسک‌دار را که امکان طرح دعوی برای آن فعالیت وجود داشته باشد قبول نکنند.

۵. تحلیل و نقد روش پیشنهادی دادگستری کل استان تهران

در پی صدور بخشنامه شماره ۱۴۰۳۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۸ ریاست دادگستری استان تهران مبنی بر الزام به محاسبه خسارت تأخیر تأدیه با استفاده از شاخص‌های متوسط سال، ایرادات اجرایی قابل ملاحظه‌ای در محاکم ایجاد شد. لذا در ادامه روشی طی نامه شماره ۱۶۳۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ مجدداً توسط ایشان پیشنهاد گردید که این روش نیز متضمن ایرادات جدی است. چراکه براساس روش پیشنهادی ریاست دادگستری استان تهران طی نامه موصوف، برای محاسبه شاخص در زمان سررسید باید میانگینی از شاخص سالانه منتهی به آن ماه و ماه‌های بعدی تا انتهای آن سال محاسبه شود و همچنین برای محاسبه شاخص در زمان پرداخت باید میانگینی از شاخص سالانه منتهی به آن ماه و ماه‌های قبلی تا ابتدای آن سال مدنظر قرار گیرد. بنابراین براساس این روش هر ماه دارای دو شاخص جداگانه و متفاوت خواهد شد که یکی به‌عنوان شاخص آن ماه در حالی که ماه موصوف سررسید ادای دین باشد، قابل استفاده و دیگری به‌عنوان شاخص آن ماه در حالی که ماه موصوف زمان پرداخت دین باشد قابل استفاده است.

۱. میرزائزاد جویباری، اکبر و رضا خشنودی، خسارت تأخیر تأدیه در رویه قضایی با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه، ج. ۴، پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۴۰۲، ص ۵۸.

همان‌طور که در ادامه ملاحظه می‌گردد، روش پیشنهادی مندرج در نامه شماره ۱۶۳۰۰ دارای ایرادات متعددی است، اما اصلی‌ترین ایراد این روش این است که در فرضی که زمان سررسید و زمان پرداخت هر دو در یک سال باشند، مبلغ دین به‌علاوه خسارت تأخیر تأدیه از اصل دین نیز کمتر شده که این اتفاق خلاف اصول اساسی قانون و بدیهیات علوم حقوق و ریاضی بوده و غیرقابل اجراست.

به‌عنوان مثال در ادامه یک دین فرضی به ارزش ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال با سررسید خردادماه ۱۴۰۰ و تاریخ پرداخت بهمن‌ماه ۱۴۰۰ با روش پیشنهادی مندرج در نامه شماره ۱۶۳۰۰ محاسبه خواهد شد. برابر این نامه، شاخص زمان سررسید یعنی خردادماه ۱۴۰۰ باید با جمع شاخص خرداد تا اسفندماه ۱۴۰۰ و تقسیم حاصل جمع بر عدد ۱۰ به‌دست آید.

شاخص زمان سررسید = $۳۹۹,۳ + ۴۱۰ + ۴۲۱,۷ + ۴۳۵,۶ + ۴۴۸,۹ + ۴۵۹,۷ + ۴۶۸,۲ + ۴۷۴,۲$
 $+ ۴۸۲ + ۴۸۴,۶ = ۴۴۸۴,۲$ که این عدد تقسیم بر ۱۰ می‌شود (تعداد ماه‌های باقی مانده تا انتهای سال ۱۴۰۰) و شاخص برابر با ۴۴۸,۴ به‌دست می‌آید.

مجدداً برابر این نامه، شاخص زمان پرداخت یعنی بهمن‌ماه ۱۴۰۰ باید با جمع شاخص فروردین تا بهمن‌ماه ۱۴۰۰ و تقسیم حاصل جمع بر عدد ۱۱ (تعداد ماه‌های گذشته از ابتدای سال ۱۴۰۰) به‌دست آید.
 شاخص زمان پرداخت = $۳۷۸,۳ + ۳۸۲ + ۳۹۹,۳ + ۴۱۰ + ۴۲۱,۷ + ۴۳۵,۶ + ۴۴۸,۹ + ۴۵۹,۷ + ۴۶۸,۲ + ۴۷۴,۲ + ۴۸۲ = ۴۷۵۹,۹$ که این عدد تقسیم بر ۱۱ شده و شاخص برابر با ۴۳۲,۷ به‌دست می‌آید.
 حال برای محاسبه مجموع اصل دین و خسارت تأخیر تأدیه باید مبلغ اصل دین ضرب در شاخص زمان پرداخت و تقسیم بر شاخص زمان سررسید شود.

$$۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \times X = ۹۶۴,۹۸۶,۶۱۹ \quad \frac{۴۳۲,۷}{۴۴۸,۴}$$

ملاحظه می‌گردد که اشتباه این روش در این است که در محاسبه دیونی که تاریخ سررسید و پرداخت آنها در یک سال شمسی واقع شده باشند (ولو با اختلاف ۱۱ ماهه) به کاهش اصل دین به‌جای تحقق خسارت تأخیر تأدیه منجر می‌گردد؛ لذا روش پیشنهادی دادگستری کل استان تهران در نامه شماره ۱۶۳۰۰ قابلیت اجرایی ندارد.

۶. مقایسه عددی روش‌های محاسبه

در این بخش برای درک بهتر موضوع ابتدا در چهار فرض مجزا یک دین ثابت با سررسید و زمان پرداخت ثابت را در نظر گرفته و با هریک از روش‌های محاسبه اعم از روش شاخص سالانه منتهی به هر ماه، شاخص متوسط سال و روش پیشنهادی در نامه شماره ۱۶۳۰۰ دادگستری کل استان تهران اقدام به محاسبه اصل به علاوه خسارت تأخیر تأدیه دیون مذکور می‌گردد.

ملاحظه می‌شود که در مثال ردیف سوم فاصله سررسید تا پرداخت ۴۷ ماه و این فاصله در مثال چهارم ۲۵ ماه است. منطقاً میزان خسارت در مثال سوم باید بسیار بیشتر از مثال چهارم باشد؛ چراکه میزان تأخیر زمانی در تأدیه دین تقریباً دو برابر شده است. باوجود این، ملاحظه می‌گردد که در صورت استفاده از شاخص‌های متوسط سال، مبلغ قابل اجرا در هر دو مثال یکسان می‌شود. یعنی در مثال سوم عملاً محکوم‌له به حق خود نرسیده و در مثال چهارم نیز محکوم علیه بیش از دین خود پرداخت می‌نماید.

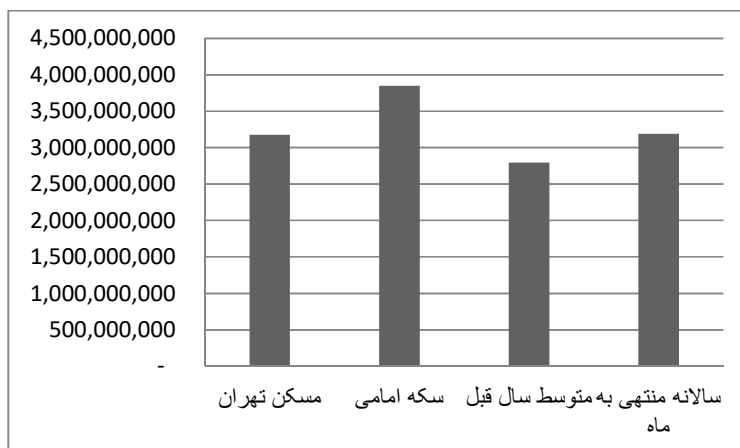
جدول ۴. محاسبه و مقایسه دیون ثابت با روش‌های متفاوت^۱

روش نام ۱۶۳۰۰ دادگستری کل استان تهران	روش متوسط سال	روش سالانه منتهی به ماه	تاریخ پرداخت	تاریخ سررسید	اصل دین ریال
1,084,708,328	1,522,492,970	1,051,114,188	۵ فروردین ۱۴۰۲	۲۸ اسفند ۱۴۰۱	1,000,000,000
940,391,650	1,000,000,000	1,112,488,521	اسفند ۱۴۰۰	شهریور ۱۴۰۰	1,000,000,000
3,261,625,961	3,262,048,192	4,239,669,421	اسفند ۱۴۰۲	فروردین ۱۳۹۹	1,000,000,000
2,605,291,288	3,262,048,192	2,231,159,807	فروردین ۱۴۰۲	اسفند ۱۳۹۹	1,000,000,000
798,770,710	1,000,000,000	1,000,000,000	اسفند ۱۳۹۹	اسفند ۱۳۹۹	1,000,000,000

۱. محاسبه شده توسط نویسندگان با استفاده از اطلاعات منتشره در وبسایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نشانی www.cbi.ir.

همچنین تغییرات قیمت برخی کالاهای اصلی از جمله متوسط قیمت مسکن در شهر تهران و قیمت سکه طلا امامی بانک مرکزی با تغییرات میزان دو دین فرضی با اعمال دو روش استفاده از شاخص‌های سالانه منتهی به هر ماه و استفاده از متوسط شاخص بهای سال قبل مقایسه شده تا نزدیک‌ترین روش به واقعیت نیز معین گردد.

در مثال اول، یک دین فرضی به ارزش ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال که تاریخ سررسید آن تیرماه ۱۳۹۹ و تاریخ پرداخت آن فروردین‌ماه ۱۴۰۲ است، بررسی گردیده است.



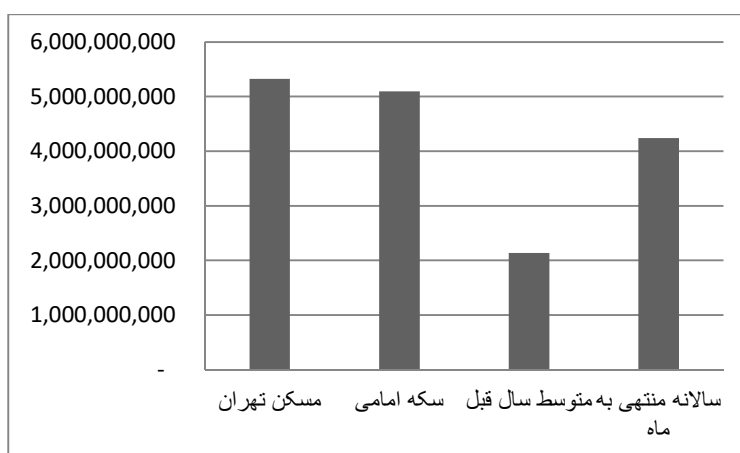
شکل ۱. نمودار مقایسه میزان محکوم به معادل یک میلیارد ریال با تاریخ سررسید تیر ۱۳۹۹ و تاریخ پرداخت فروردین ۱۴۰۲ با میزان افزایش متوسط قیمت مسکن در تهران و سکه امامی در بازه زمانی مطروحه^۱

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، میزان دین موصوف در فرض محاسبه با روش استفاده از شاخص سالانه منتهی به ماه در زمان سررسید برابر با ۳,۱۸۹,۰۷۵,۶۳۰ ریال و در فرض استفاده از متوسط شاخص بهای سال قبل معادل ۲,۷۹۴,۱۷۶,۷۰۶ ریال است. این درحالی است که براساس آمارهای رسمی منتشره توسط بانک مرکزی، با لحاظ افزایش متوسط قیمت مسکن در شهر تهران در بازه زمانی فوق، ارزش دین معادل ۳,۱۷۷,۵۱۸,۲۴۵ ریال و براساس افزایش قیمت سکه امامی در بازار آزاد معادل ۳,۸۴۵,۳۱۲,۸۸۳ ریال است. لذا مشاهده می‌شود که استفاده از شاخص سالانه منتهی به هر ماه با

۱. منبع پیشین.

واقعیت موجود در جامعه منطبق بوده، اما استفاده از متوسط شاخص بهای سال قبل به ایجاد اختلاف قابل توجه با میزان تورم واقعی جامعه منجر می‌شود.

در مثالی دیگر، مجدداً یک دین فرضی به ارزش ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال که تاریخ سررسید آن فروردین ماه ۱۳۹۹ و تاریخ پرداخت آن اسفندماه ۱۴۰۲ است بررسی شده است.



شکل ۲. نمودار مقایسه میزان محکوم به معادل یک میلیارد ریال با تاریخ سررسید فروردین ۱۳۹۹ و تاریخ پرداخت اسفند ۱۴۰۲ با میزان افزایش متوسط قیمت مسکن در تهران و سکه امامی در بازه زمانی مطروحه^۱

مجدداً ملاحظه می‌گردد که میزان دین موصوف در فرض محاسبه با روش استفاده از شاخص سالانه منتهی به ماه در زمان پرداخت بسیار با میزان تغییرات متوسط قیمت مسکن در شهر تهران و میزان تغییرات قیمتی سکه امامی نزدیک‌تر است و استفاده از متوسط شاخص بهای سال قبل حتی توان پوشش نیمی از تورم محقق شده در این دو پارامتر اصلی را ندارد.

۷. رأی وحدت رویه شماره ۸۵۰ مورخ ۱۴۰۳/۵/۱۶

تضارب آرا موجود در محاسبه خسارت تأخیر تأدیه و شاید نارضایتی از بخشنامه رئیس کل دادگستری استان تهران باعث شد که دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۸۵۰ مورخ ۱۴۰۳/۵/۱۶ موضوع

۱. محاسبه شده توسط نویسندگان با استفاده از اطلاعات منتشره در وبسایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نشانی www.cbi.ir.

را بررسی کند که نتیجه آن این شد که رأی وحدت رویه مذکور به صراحت با ارائه تعریف صحیح از آنچه قانونگذار در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی به عنوان شاخص سالانه بدان اشاره نموده است، اختلاف را رفع نماید. براساس رأی وحدت رویه مذکور، خسارت تأخیر تأدیه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی به صورت جدول ماهانه منتشر می‌گردد، مقرر شده است که نحوه محاسبه: حاصل تقسیم عدد شاخص در زمان تأدیه بر عدد شاخص در زمان سررسید ضرب در مبلغ اصل دین شده و عدد به دست آمده، مبلغ دین با احتساب خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود. لذا با توجه به تصریح ماده قانونی مرقوم و عبارات به کار برده شده در آن، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای «شاخص سالانه» است.^۱ بنابراین شاخص سالانه همان شاخصی است که در جدول ماهانه منتشر شده و در عرف به آن شاخص ماهانه می‌گویند. بر این اساس استفاده از متوسط شاخص بهای سال (که در عرف اشتباهاً به عنوان شاخص سالانه نام‌گذاری شده بود) در محاسبه خسارت تأخیر تأدیه فاقد وجهت قانونی است. در نظریه نماینده دادستان کل کشور نیز به دقت اختلاف میان انواع شاخص بررسی شده است و بر همین اساس مشخص است که منظور قانونگذار از شاخص سالانه همان شاخص سالانه منتهی به هر ماه است که طی جدولی به صورت ماهانه منتشر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

با عنایت به توضیحات مذکور نتیجه‌گیری می‌شود که اولاً شاخص سالانه همان شاخص سالانه منتهی به هر ماه منتشره در جدول ماهانه است و این شاخص منصرف از متوسط شاخص بهای سال است. ضمن اینکه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه باید براساس استفاده از شاخص‌های سالانه منتهی به هر ماه (منتشره در جدول ماهانه) انجام می‌پذیرد و مبلغ دین با احتساب حاصل ضرب مبلغ اولیه دین ضرب در شاخص ماه پرداخت تقسیم بر شاخص ماه سررسید محاسبه می‌شود و صرفاً مهریه وجه رایج بر اساس متوسط شاخص بهای سال قبل محاسبه می‌گردد. لذا نحوه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه منصرف از نحوه محاسبه مهریه وجه رایج است و هرگونه استفاده از شاخص ماه‌های قبل از پرداخت به منزله عدم اجرای صحیح و کامل حکم دادگاه بوده و عملیات اجرایی آن نیازمند تکمیل است.

استفاده از شاخص‌های مختص به مهریه (متوسط شاخص بهای سال) برای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه که عموماً منتهی به استفاده از متوسط شاخص سال قبل از پرداخت به علت عدم وجود شاخص

۱. رأی وحدت رویه شماره ۸۵۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۶.

زمان پرداخت می‌گردد، نه تنها به ایجاد آثار سوء اجتماعی، اقتصادی و قضایی می‌انجامد و به تضییع بیت‌المال و حق الناس منتج می‌شود، بلکه این روش فاقد جایگاه قانونی و خلاف نص قانون است.

فهرست منابع الف) منابع فارسی کتاب

۱. دادگر، یدالله و تیمور رحمانی، **مبانی و اصول علم اقتصاد: کلیاتی از اقتصاد برای همه**، ج. ۴، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
۲. رحمانی، تیمور، **اقتصاد کلان**، ج. ۱، چ. ۱۰، انتشارات برادران، ۱۳۸۵.
۳. شریف، مصطفی، **اقتصاد کلان**، ج. ۱، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۷.
۴. شیروی، عبدالحسین، **حقوق اقتصادی**، ج. ۲، سمت، ۱۴۰۰.
۵. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، ج. ۲۷، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۶. فرهنگ، منوچهر، **فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی**، ج. ۱، چ. ۱، انتشارات البرز، ۱۳۷۱.
۷. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، ج. ۷، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۸. میرزائزاد جویباری، اکبر و رضا خشنودی، **خسارت تأخیر تأدیه در رویه قضایی با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه**، چ. ۴، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۴۰۲.
۹. همتی، عبدالناصر، **اقتصاد کلان**، چ. ۴، مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۹۱.

مقاله

۱۰. انصاری، جمال و ابوالفضل محبی، «بررسی ماهیت حقوقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق بانکی»، *مجله حقوق بانکی*، د. ۳، ش. ۵ و ۶، ۱۳۹۳، صص. ۱۵۹-۱۸۶.
۱۱. پنج تنی، محسن، «خسارت، وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه»، *کانون*، ش. ۱۱۸، ۱۳۹۰، صص. ۱۵-۲۵.
۱۲. حاجیان، هانی، جواد سرخوش و میثم اکبری دهنو، «علت تناقض در آرای شورای نگهبان درباره تأخیر تأدیه»، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ش. ۲۷، ۱۳۹۹، صص. ۱-۲۸.
۱۳. حسن خانی، داوود، «مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در قوانین موضوعه ایران»، *وکالت، بهمن و اسفند*، ۱۳۸۰، صص. ۳۰-۳۶.

۱۴. سلطانی رنای، مهدی، «نگاهی تطبیقی به جبران خسارت تأخیر تأدیه در فقه و حقوق»، *فقه*، ۱۳۸۵، صص. ۱۳۹-۱۶۶.
۱۵. شیروی، عبدالحسین، «نقد و بررسی مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مطالبه خسارات قراردادی و تأخیر تأدیه»، *مجله مجتمع آموزشی عالی قم*، ۱۳۸۰، صص. ۷-۵۰.
۱۶. مطهری، محباله، محمدرضا لطفعلی پور و شهاب متین، «بررسی رابطه علی میان شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف کننده در اقتصاد ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، د. ۱۶، ش. ۱، ۱۳۹۵، صص. ۱۴۱-۱۶۴.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17356768.1395.16.1.10.3>
۱۷. مؤتمنی، مانی، شهریار زروکی و آرمان یوسفی بارفروشی، «سنجش واکنش شاخص رفاه سالانه به تورم ماهانه در ایران: کاربردی از الگوی ترکیبی داده‌های با فرکانس متفاوت فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد و برنامه‌ریزی»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، د. ۲۸، ش. ۱، ۱۴۰۲، صص. ۳۱-۵۲. doi:10.61186/jpbud.28.1.31
۱۸. موسوی بجنوردی، سید محمد، مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه، پژوهش‌نامه متین، ش. ۷۳، ۱۳۸۲، صص. ۳-۲۲.
۱۹. وحدتی شبیری، سید حسن، «خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، د. ۹، ش. ۳۶، ۱۳۸۲، صص. ۷۶-۹۶.
۲۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، «احکام فقهی کاهش ارزش پول»، *فقه اهل بیت علیهم السلام*، د. ۱، ش. ۲، ۱۳۷۴، صص. ۵۲-۹.

References

Books

1. Amid, Hassan, **Amid Persian Dictionary**, 27th ed, Amir Kabir Publications, 2003. (In Persian)
2. Dadgar, Yadollah and Timour Rahmani , **Foundations and Principles of Economics: Generalities of economy for all**, 4th ed, Book Bostan Publications, 2005. (In Persian)
3. Farhang, Manouchehr, **The Great Encyclopedia of Economic Sciences**, Vol 1, 1st ed, Alborz Publications, 1992. (In Persian)
4. Hemmati, Abdolnaser, **Macroeconomics**, The Higher Institute of Banking Education of Iran, 4th ed, 2012. (In Persian)
5. International Monetary Fund, **Consumer Price Index Manual**, USA: International Monetary Fund, 2004.
6. Mirzanejad Jouybari, Akbar and Reza Khoshnoodi, **Late payment damages in Judicial Practice with a Comparative Study of French Law**, Judiciary Research Center, 4th ed., 2023. (In Persian)
7. Mo'in, Mohammad, **Persian Dictionary**, 7th ed, Amir Kabir Publications, 1985. (In Persian)
8. Rahmani, Timour, **Macroeconomics**, Vol 1, 10th ed, Brothers Publications, 2006. (In Persian)
9. Sharif, Mustafa, **Macroeconomics**, 1st ed, Information Publications, 2008. (In Persian)
10. Shiravi, Abdolhossein, **Economic Law**, 2nd ed, Samt, 2021. (In Persian)

Articles

11. Ansari, Jamal and Abolfazl Mohebbi, "A Study of the Legal Nature of Damages for Late Payment in Banking Law", *Journal of Banking Law*, Vol. 3, Issue 5 and 6, 2014, pp. 159-186. (In Persian)
12. Hajian, Hani, Javad Sarkhush and Meysam Akbari Dehno, "The cause of contradiction in the Guardian Council's decisions on Late Payment Damages", *Quarterly Journal of Public Law Studies*, Issue 27, pp. 2020, 1-28. (In Persian)
13. Hashemi Shahroudi, Seyed Mahmoud, "Jurisprudential Rules on the Devaluation of Currency", *Fiqh ahl beyt alayhem al-salam*, Vol. 1, No. 2, 1995, pp. 52-98. (In Persian)
14. Hassan Khani, Davood, "Claim for late payment damages in Iranian positive law", *Advocacy*, 2001, pp. 30-36. (In Persian)
15. Motahari, Mohebollah, Mohammad Reza Lotfali Pour and Shahab Matin, "Examining the Causal Relationship Between the Producer Price Index and

- Consumer Price Index in the Iranian Economy”, *Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, Vol. 16, Issue 1, 2016, pp. 141-164. (In Persian) <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17356768.1395.16.1.10.3>
16. Motameni, Mani, Shahryar Zarouki and Arman Yousefi Barfaroushi, “Testing the Response of the Annual Well-Being Index to Monthly Inflation in Iran: An Application of a Mixed-Data Sampling (MIDAS) Approach”, *Journal of Planning and Budget*, Vol.28 , No.1, 2023, pp. 31-52. (In Persian) doi:10.61186/jpbud.28.1.31
17. Mousavi Bojnourdi, Seyed Mohammad, “The Legitimacy of Late payment damages”, *Matin Research*, Vol. 73, 2003, pp. 3-22. (In Persian)
18. Panj Tani, Mohsen, “Damages, Liquidated Damages and Late Payment damages”, *Kanoon*, Issue 118, 2011, pp. 15-25. (In Persian)
19. Shiravi, Abdol Hossein, “Critique and review of civil procedure regulations regarding the claim for contractual damages and late payment damages”, *Journal of Qom Higher Education Complex*, 2001, pp. 7-50. (In Persian)
20. Soltani Renani, Mahdi, “A comparative Study of Late Payment Damages in jurisprudence and law”, *Jurisprudence*, 2006, pp. 139-166. (In Persian)
21. Vahdati Shobeyri, Seyyed Hasan, “late Payment Damage of Cash, Methodology of Humanities”, *Houzeh and Daneshgah*, Vol. 9, Issue 36, 2003, pp. 76-96. (In Persian)

The Correct Index Used in Calculating Late Payment Damages (Annual or Yearly Average)

Bagher Shamloo*
Amirhossein Hemmati**
Hani Hajian***
Sara Dowlatnia****

Received: 2025.06.07

Accepted: 2025.09.10

Abstract

Article 522 of the Civil Procedure Code of Iran, enacted in 2000, establishes the requirements under which delayed payment Damages (khesarat-e takhir-e tadiyeh) can be claimed based on the annual price index changes from the date of demand. Despite the clarity of this article regarding the proper method for calculating such compensation and the provision of necessary indices by the Central Bank of Iran, discrepancies in judicial interpretations have emerged. These discrepancies stem from the varied indices provided by the Central Bank in different columns, leading some courts to adopt the average annual price index of the previous year as the basis for calculation. This inconsistency in judicial practice has resulted in significant variations in the calculated compensation amounts, creating substantial differences in the enforcement of judgments. To address this issue, the Supreme Court issued Unifying Decision No. 850 on August 7, 2024, aiming to standardize the approach. This theoretical study, conducted through descriptive and analytical methods and utilizing library-based research sources including books and articles, seeks to answer the following question: What is the legally appropriate method for calculating delayed payment damages according to legal standards? The findings indicate that the legislator's intent in Article 522 refers to the "annual index" as the monthly indices published by the Central Bank at the end of each month, and the method for calculating late payment damages is the amount of the debt multiplied by the index of the payment time, divided by the index of the maturity month of the debt.

Keywords:

Late Payment Damages, Currency Devaluation, Annual Index, Monthly Index, Inflation.

* Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

** L.L.M Student, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
Corresponding Author Email: a.h.hemmati@ut.ac.ir

*** PhD Student, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

**** L.L.M Student, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran